



کنفرانس عمران، معماری و شهرسازی کشورهای جهان اسلام
ایران - تبریز (پایتخت گردشگری کشورهای اسلامی ۲۰۱۸)

تدوین روشهای ارتقاء کیفیت فضای شهری از طریق افزایش تعاملات اجتماعی در جهت طراحی خانه موسیقی در تهران

محمد امیدوار^{۱*}، فریبرز دولت آبادی^۲

۱- گروه معماری، دانشکده هنر و معماری، واحد تهران غرب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران Omidvar.mhd@gmail.com

۲- استادیار دانشکده هنر و معماری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران غرب، تهران، ایران F.dolatabadi@wtiau.ac.ir

چکیده:

یکی از دلایل عدم مطلوبیت کیفیت، در فضاهای شهری کاهش تعاملات اجتماعی در این فضاهاست. مقصود از طرح خانه موسیقی پیش از آنکه در پی خلق پروژه‌ای در زمینه معماری باشد، سعی در جلب توجه ویژه صاحب نظران و سیاستگذاران به مقوله فرهنگ و هنر موسیقی و معماری به طور عمومی، و ایجاد زمینه شکل‌گیری تشکیلاتی منسجم و پاسخگو برای جوانان و نوجوانان علاقه‌مند به طور خاص می‌باشد. همچنین این مجموعه با توجه به ویژگیهای کالبدی و کارکردی خود میتواند نقش عمده‌ای در ایجاد همبستگی و تعاملات اجتماعی داشته باشد. به همین منظور در برنامه ریزی و طراحی این مرکز تلاش خواهد شد، از ویژگی‌های خاصی نسبت به سایر مراکز موسیقی برخوردار باشد و علاوه بر ساخت سازه‌ای که در آن پیوند دو هنر موسیقی و معماری قابل رویت است بتوان هنر موسیقی و خاصه موسیقی سنتی و سازهای ایرانی را با چندین کاربرد در این مرکز مورد توجه قرار داد که از آن جمله کلاس‌های نوازندگی ساز و کارگاه‌های آموزش ساخت سازهای سنتی، نمایشگاه‌های دایمی که سازهای ساخته شده توسط دانشجویان و سازهای فاخری که اساتید بنام این فن ساخته اند در این مکان عرضه شده و به فروش می‌رسد، و بخشی از این مجموعه اختصاص پیدا کند به جمع‌آوری اقلام مطروحه در این زمینه که از دیرباز با هنر و تاریخ و فرهنگ این مرز و بوم از عهد باستان تا کنون عجین بوده است. با هدف حفظ و نگه‌داری در قالب یک موزه، و همچنین ضرورت ملحوظ داشتن مکانی برای ضبط نوای ساز در استودیوهای پیش‌بینی شده، و در نظر گرفتن حداقل دو سالن کنسرت با ظرفیت‌های متفاوت برای برگزاری مراسم‌های مختلف با ابعاد جمعیتی گوناگون، و قسمت‌داری که تنظیم‌کننده بخش‌های مختلف در جهت هماهنگی‌های لازم برای سامان بخشیدن امورات جاری این مجموعه تعبیه شود.

کلید واژه‌ها: کیفیت فضای شهری، خانه موسیقی، موسیقی، تهران.

۱- مقدمه

هنرهای زیبا نماینده‌ی احساسات و روحیات هر قوم است و چون ذوقیات ملل متفاوت است هنرهای مردم هم که تراوشهای روحی آنهاست از یکدیگر متمایز می‌باشد. همانطور که آداب و عادات دو قوم، مختلف است اگر موسیقی آنها نیز با هم متفاوت باشد جای تعجب نیست. اوضاع جغرافیائی و طبیعی و عوالم روحی و معنوی و طرز عقاید و افکار و کیفیت رسوم مذهبی و درجه تمدن و سوابق تاریخی و حوائج زندگانی مادی همه در اختلاف موسیقی دو قوم عوامل مؤثری است. چنانکه روح و ذوق و احساسات و عواطف ملل مشرق و مغرب زمین با یکدیگر جنبه‌های مشترکی ندارند و به همین سبب هنرهای آنها نیز روشهای مختلف دارد. موسیقی که نماینده‌ی ذوق فطری است باید مطابق احساسات و مترجم خیالات بشر باشد و چون ذوق و قریحه و احساس معیار مشترکی میان مردم اقوام مختلف ندارد هر کشوری را موسیقی مخصوص است که خاطرات ایام گذشته و نمونه احساسات و عواطف مردمی است که در آن کشور نشو و نما یافته اند و شک نیست که قدمت تمدن و کیفیت زندگی دوره‌های مختلف و انقلابات و اتفاقات و حوادث تاریخی و خاطرات شادی بخش و دوران غم انگیز گذشته همه دست به دست یکدیگر داده موسیقی امروز ما را پدید آورده اند. از طرف دیگر چون تمدن دنیا را به هم نزدیک کرده و بشر را تحت تأثیر، احساسات مختلف گذارده صنایع هر ملت نیز در نتیجه‌ی معاشرت با ملل دیگر تغییر می‌کند و هر زمان رنگی تازه به خود می‌گیرد. مثلاً جایی که زبان و خط ما که مهمترین نشانه‌ی ملیت ماست در اثر معاشرت با اقوام دیگر تغییر کرده و صنعت نقاشی و حجاری و معماری ما نیز هر زمان جلوه‌ای خاص به خود گرفته و رسوم و آداب و عادات و طرز زندگی ما مکرر عوض شده یا ممکن است احساسات و عواطف و ذوقیات ما که موسیقی ما هم نتیجه‌ی آنهاست تا ابد بر یک نهج و به یک سبک باقی بماند. طبیعی است که موسیقی ما نیز مانند سایر هنرهای ما تنها متعلق به ملت ما نبوده و هر نغمه از گوشه‌ای پدید آمده و با نعمات ملی ما مخلوط شده و تحت تأثیر احساسات ما یک دوره‌ی تحول طولانی را پیموده تا به صورت الحان کنونی درآمده و با آن که معلوم نیست اصل هر نغمه‌ای از کجا بوده ما تمام آنها را اکنون موسیقی ملی خود می‌دانیم زیرا ذوق و قریحه ما آنها را پرورش داده و این نغمات نتیجه‌ی حوادث گوناگون دوره‌های گذشته و خلاصه‌ی افکار و عقاید و شیرهای احساسات و عواطف ماست. موسیقی هم یکی از هنرهای زیبا است. چنانکه اشاره شد در هر کشوری جلوه‌ی خاصی دارد و ما باید از کیفیت تغییر و تبدیل آن در دوره‌های مختلف این کشور آگاه باشیم. گرچه بیشتر نغمات قدیم موسیقی ما از بین رفته و جز نامی از آنها باقی نمانده ولی همین نواهایی که امروز در دست ما می‌باشد و ذوق ملت را با آن علاقه و رابطه‌ی مخصوصی است نباید از بین برود بلکه به این هم اکتفا نکرده باید در صدد تکمیل این فن برآئیم و چنانکه اشاره شد وظیفه‌ی ماست که آن را بر طبق احتیاج امروز پرورش دهیم و تا ممکن است در ضبط و حفظ آن بکوشیم زیرا این نیز یکی از نشانه‌های تمدن ما و نماینده‌ی ذوق هنرمندان کشوری است که بیش از دو هزار سال به این هنر دلبستگی داشته و تا هر جا که تاریخ ما کشف شده موسیقی نیز آرام دهنده‌ی جان و تسلی بخش روان ما بوده است. بر این اساس وجود مرکزی معتبر و خاص در جهت ترویج و اشاعه‌ی این هنر اصیل با تکنولوژی روز و ایجاد یک بستر برای ارج نهادن به پیشکسوتان هنر موسیقی در یک جامعه‌ی هنرمند بسیار چشمگیر و قابل توجیه است.